

قانون وکالت

برای دریافت قانون های بیشتر به پایگاه خبری تحلیف مراجعه کنید
www.tahleif.ir

فهرست

فصل اول- وکیل و شرایط وکالت

فصل دوم- تشکیلات وکلاء

فصل سوم- حقوق و وظائف

فصل چهارم- در تعقیب و مجازات انتظامی وکلاء

فصل پنجم- مقررات مختلفه

قانون وکالت

مصوب ۱۳۱۵/۱۱/۲۵

با آخرین اصلاحات تا تاریخ ۱۳۴۶/۳/۲۹

برای دانلود فایل PDF قانون وکالت اینجا کلیک کنید

نظامنامه قانون وکالت مصوب ۱۳۱۶ را اینجا بخوانید

قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶ را اینجا بخوانید

لایحه استقلال کانون وکلای دادگستر

ی مصوب ۱۳۳۳ را اینجا بخوانید

فصل اول-

وکیل و شرایط وکالت

ماده ۱- وکالت در عدلیه دارای درجات ذیل است:

۱- وکالت در محاکم صلح و بدایت و استیناف و تمیز.

۲- وکالت در محاکم صلح و بدایت و استیناف.

۳- وکالت در محاکم صلح و بدایت.

تبصره ۱

— وزارت عدلیه می‌تواند وکالت وکلا درجه ۲ و ۳ را محدود به حوزه معین نماید.

تبصره ۲-

وزارت عدلیه می‌تواند بر حسب ضرورت و احتیاج از داوطلبان شغل وکالت که معلوماتشان کافی برای درجات سه‌گانه نیست مطابق نظامنامه مخصوص امتحان نموده اجازه وکالت در محاکم صلح یا محقق ثبت یا نزد مامورین صلح در حوزه‌های معین بدهد- اگر داوطلب مزبور در حین اجرای این قانون مشغول وکالت بوده و صلاحیت او برای درجات سه‌گانه فوق تصدیق نشده است از امتحان معاف خواهد بود این اشخاص کارگشا نامیده می‌شوند.

ماده ۲- اشخاصی که واجد معلومات کافی برای وکالت باشند ولی شغل آنها وکالت در عدلیه نباشد اگر بخواهند برای اقربا سببی یا نسبی خود تا درجه دوم از طبقه سوم وکالت بنمایند ممکن است به آنها در سال سه نوبت

جواز وکالت اتفاقی

داده شود.

آیین

نامه صدور جواز وکالت اتفاقی مصوب ۱۳۷۸/۳/۳ رئیس قوه قضائیه را اینجا ببینید

ماده ۳- وزارت عدلیه می‌تواند بدواً به اشخاص ذیل اجازه وکالت درجه اول بدهد:

۱- به اشخاصی که سابقاً صلاحیت آنان را محکمه انتظامی برای وکالت در تمام مراحل قضائی تصدیق نموده باشد و محکومیت انتظامی از درجه ۳ به بالا نداشته باشند.

۲- به اشخاصی که لااقل دارای رتبه پنج قضائی بوده و پنجسال متوالی یا متناوب خدمت قضائی داشته باشند، یا با اشخاصی که شاغل خدمات قضائی در طبقه دوم مقامات قضائی گردیده و مدت پنجسال متوالی یا متناوب اشتغال به خدمات مزبوره داشته و در هر صورت سلب صلاحیت قضائی از آنها نشده باشد.

۳- به اشخاصی که از دانشکده‌های حقوق و سیاسی داخله یا خارجه دارای دانشنامه لیسانس یا دکترا هستند و یکسال قضاوت یا دو سال وکالت کرده‌اند.

۴- به کسانی که قبل از اجراء این قانون نه سال سابقه شغل وکالت دارند با اینکه مجموع اشتغال ایشان در شغل قضائی و وکالت نه سال باشد و محکومیت انتظامی از درجه سه به بالا نداشته و در حین اجرای این قانون هم اجازه وکالت در تمام مراحل داشته باشند.

ماده ۴- وزارت عدلیه می‌تواند بدواً به اشخاص ذیل اجازه وکالت درجه دوم بدهد:

۱- اشخاصی که سه سال متناوب یا متوالی اشتغال به خدمات قضائی داشته و سلب صلاحیت قضائی از آنها نشده باشد.

۲- به اشخاصی که از دانشکده‌های حقوق و سیاسی داخله یا خارجه دارای دانشنامه لیسانس یا دکترا هستند

۳- به اشخاصی که قبل از اجراء این قانون شش سال سابقه شغل وکالت دارند و یا اینکه مجموع اشتغال آنها به خدمات قضائی و وکالت شش سال بوده و محکومیت انتظامی از درجه سه به بالا نداشته و در حین اجراء این قانون اجازه وکالت داشته باشند

ماده ۵- وزارت عدلیه می‌تواند بدواً به اشخاص ذیل اجازه وکالت درجه سوم بدهد .

۱- فارغ‌التحصیلان کلاس قضائی که یکسال سابقه وکالت یا قضاوت داشته باشند.

۲- اشخاصی که قبل از اجراء این قانون ۳ سال سابقه شغل وکالت داشته و محکومیت انتظامی از درجه ۳ به بالا نداشته باشند.

۳- به فارغ‌التحصیلان کلاس قضائی با یک سال آزمایش یا کسانی که برنامه کلاس قضائی را در موافقی که وزارت عدلیه معین می‌نماید امتحان بدهند با یکسال آزمایش.

ماده ۶- اشخاصی که به موجب حکم محکمه انتظامی ممنوع‌الوکاله شده‌اند هرگاه موجب حکم صرفاً فقد معلومات بوده می‌توانند از مقررات تبصره ۲ ماده ۱ استفاده نمایند- هرگاه ممنوعیت فقط از جهات اخلاقی بوده پس از پنجسال از تاریخ صدور حکم می‌توانند اعاده حیثیت نمایند مشروط بر اینکه در مدت مزبور اعمال منافی اخلاقی از آنها مشاهده نشده باشد- هرگاه ممنوعیت از هر دو جهت بوده در صورت گذشتن پنجسال نیز می‌توانند از مورد تبصره ۲ ماده ۱ استفاده نمایند.

ماده ۷- به اشخاص ذیل اجازه شغل وکالت داده نمی‌شود:

۱- اتباع خارجه.

۲- قضات و مستخدمین دولتی و بلدی و مملکتی در حین اشتغال به خدمت به استثناء استادان دانشکده حقوق که اشتغال به تدریس یکی از شعب حقوقی دارند در صورت اجازه وزارت معارف.

۳- کسانی که سن آنها کمتر از ۲۵ سال است.

۴- محکومین به انفصال ابد از خدمات دولتی.

۵- اشخاصی که مرتکب اعمالی شوند که منافی با شئون وکالت است.

۶- اشخاص مشهور به فساد اخلاق و تجاهر به استعمال مسکر و افیون و اعمال منافی عفت.

۷- اشخاصی که تحت ولایت یا قیمومت هستند.

۸- محکومین به جنایت مطلقاً و محکومین به جنحه که به موجب قانون مستلزم محرومیت از حقوق اجتماعی یا از شغل وکالت باشند و یا این که محکمه محکومیت مزبور را در حکم خود قید کرده باشد.

۹- کسانی که به اتهام ارتکاب جنایت یا جنحه‌ای که به موجب قانون مستلزم محرومیت از حقوق اجتماعی است تحت محاکمه هستند.

۱۰- اشخاصی که به امر وزیر عدلیه طبق ماده ۴۷ این قانون از شغل وکالت معلق هستند.

۱۱- اشخاصی که طبق حکم محکمه از وکالت محروم شده‌اند.

۱۲- وکلا که وجه پروانه وکالت را در موعد مقرر نپردازند.

۱۳- وکلایی که در ظرف مدتی که وزارت عدلیه برای اجرای ماده یک این قانون در هر حوزه قضائی تعیین می‌نماید درخواست پروانه وکالت ننمایند.

ماده ۸- اشخاصی که قبل از اجراء این قانون پروانه وکالت نداشته و بخواهند آنرا تحصیل نمایند در صورت دارا بودن شرایط مقرر در این قانون باید لااقل مدت یکسال در کانون وکلا عمل بنمایند. عمل مزبور، دوره آزمایش نامیده می‌شود.

ترتیب وکالت وکلا را در دوره آزمایش و طرز مداخله آنها را در محاکمات و تمریناتی که طی دوره آزمایش بایستی در امور قضائی انجام دهند وزارت عدلیه به موجب نظامنامه معین می‌نماید: برای وکالت در دوره آزمایش پروانه مخصوص مقرر است و مراحل را که طبق این قانون در دوره آزمایش اجازه داده می‌شود وکالت بنمایند در آن قید می‌گردد.

در مورد اشخاصی که دارای دانشنامه لیسانس یا دکترا از دانشکده‌های داخله یا خارجه هستند دوره آزمایش فقط برای پروانه وکالت درجه اول لازم است ولی با داشتن سوابق خدمات قضائی یا اداری در وزارت عدلیه وزیر عدلیه می‌تواند آنها را نیز از دوره آزمایش معاف کند.

تبصره ۱

- وزارت عدلیه می‌تواند اشخاصی را که مشمول مورد ۲ و ۳ ماده ۳ این قانون هستند از دوره آزمایش معاف بدارد.

تبصره ۲-

در صورتی که وکیل در دوره آزمایش طبق نظامنامه از طرف یکی از وکلا در محاکمات دخالت نماید مسئولیت اعمال او متوجه وکیلی است که او را تعیین نموده و هر گاه از طرف معاضدت قضائی کار به او احاله شود بایستی تحت هدایت و نظارت معاضدت قضائی انجام وظیفه نماید.

ماده ۹- اجازه وکالت درجات ۱ و ۲ و ۳ که مطابق قانون ۲۰ شهریور ۱۳۱۴ تا تصویب این قانون تصدیق شده در صورت تسلیم تقاضاکننده به اعتبار خود باقی است.

ماده ۱۰- اشخاصی که می‌خواهند اجازه وکالت تحصیل نمایند باید به دفتر بازرسی و تشکیلات وکلاء عدلیه تقاضانامه بدهند. ترتیب تقاضانامه را وزارت عدلیه تعیین خواهد نمود.

ماده ۱۱- دفتر بازرسی و تشکیلات وکلاء عدلیه در ظرف دو ماه از تاریخ تقاضانامه باید عقیده خود را رد یا قبول تقاضا و در صورت قبول درجه‌ای که برای تقاضاکننده در نظر گرفته به مشارالیه یا اقامت گاه قانونی او ابلاغ نماید در صورتی که تقاضاکننده تسلیم به عقیده اداره مزبوره باشد پروانه وکالت در حدود مقررات این قانون صادر می‌شود.

نسبت به تقاضای وکالت اتفاقی دفتر بازرسی و تشکیلات وکلاء عدلیه هر چه زودتر تکلیف رد یا قبول تقاضا را معین می‌کنند.

ماده ۱۲

- اشخاصی که به تصمیم و تشخیص دفتر بازرسی و تشکیلات وکلاء عدلیه تسلیم نیستند می‌توانند تا یکماه پس از ابلاغ نظریه دفتر مزبور به محکمه انتظامی رجوع و تقاضای رسیدگی نمایند عرضحال

مزبور در مرکز مستقیماً به دفتر محکمه انتظامی و در ولایات به دفتر یکی از محاکم محل اقامت شاکی تقدیم می‌شود و دفتر آن محکمه مکلف است در ظرف ۳ روز به محکمه انتظامی ارسال دارد تا تکلیف اختلاف در محکمه انتظامی تعیین نشده است رای دفتر مزبور موقتاً معتبر است.

ماده ۱۳- محکمه انتظامی نسبت به جهت اختلاف رسیدگی کرده و با در نظر گرفتن سوابق اخلاقی او رای مقتضی صادر و به دفتر بازرسی و تشکیلات وکلاء عدلیه و شاکی ابلاغ می‌نماید. رای مزبور قطعی است.

ماده ۱۴- وکلاء عدلیه باید مطابق نظامنامه وزارت عدلیه قسم یاد نمایند.

ماده ۱۵- پروانه وکالت باید همه ساله مطابق تعرفه ذیل تمیر شود:

۱- پروانه وکالت درجه یک ۴۰۰۰ ریال.

۲- پروانه وکالت درجه دو ۲۰۰۰ ریال.

۳- پروانه وکالت درجه سه ۱۵۰۰ ریال

۴- پروانه وکالت کارگشایی به تفاوت نقاط از ۵۰۰ ریال تا ۵۰۰۰ ریال.

۵- کلیه هزینه‌های دادرسی دفتری دادگاههای مدنی خاص در سطح دادگاههای حقوقی ۲ تثبیت می‌گردد.

ماده ۱۶- پس از انجام مقررات فوق اسم وکیل در مجله رسمی درج و در لوحه مخصوص ثبت و در اطاق محکمه نصب می‌شود.

فصل دوم- تشکیلات وکلاء

ماده ۱۷- وزارت عدلیه در هر محلی که مقتضی بداند کانون وکلا تشکیل خواهد داد.

ماده ۱۸- کانون وکلاء مؤسسه‌ایست دارای شخصیت حقوقی از حیث نظامات تابع وزارت عدلیه و از نظر عوائد و مخارج مستقل می‌باشد.

ماده ۱۹- وظایف کانون به قرار ذیل است:

۱- نظارت در اعمال وکلا و تهیه موجبات ترقی علمی و اخلاقی آن‌ها.

۲- معاضدت قضائی (تعیین وکیل برای اشخاص معسر یا بی‌بضاعت) مطابق نظامنامه وزارت عدلیه.

۳- راهنمایی و تعلیمات به اشخاصی که در عدلیه یا اداره ثبت مراجعه دارند و از قوانین بی‌اطلاع هستند.

۴- سرپرستی وکلاء مبتدی و تنظیم دوره آزمایش آنها.

ماده ۲۰- کانون هر محل بوسیله هیئت مدیره اداره خواهد شد .

هیئت مدیره مرکب است از پنج الی دوازده نفر عضو که وزیر عدلیه از بین وکلا انتخاب می‌کند.

اعضای هیئت مدیره باید حتی‌الامکان از وکلاء درجه اول و یا دوم باشند.

ماده ۲۱- انتخاب هیئت عامله کانون با وزارت عدلیه است، رئیس کانون ممکن است از مستخدمین قضائی یا اداری وزارت عدلیه انتخاب شود.

ماده ۲۲- دفتر- اوراق راجعه به وکالت باید مطابق نمونه که کانون مرکز تعیین می‌نماید تهیه شود-
درآمد کانون هر محل به مصرف خود آن کانون خواهد رسید.

ماده ۲۳- وکلا عدلیه مکلفند همه ساله در ۳ دعوی حقوقی بعنوان معاضدت قبول وکالت نمایند و
چنانچه موکل محکومله واقع شود حق الوکاله قانونی از آنچه که وصول شود به او پرداخته خواهد شد،
پنج یک آن متعلق به کانون است.

ماده ۲۴- کسانی که قدرت تأدیه حق الوکاله ندارند می‌توانند از کانون تقاضای معاضدت نمایند مشروط
بر اینکه دعوی با اساس و راجع به شخص تقاضاکننده باشد . طرز تقاضا و سایر شرایط لازمه برای
معاضدت قضائی را وزارت عدلیه به موجب

نظامنامه

معین خواهد نمود.

فصل سوم- حقوق و وظائف

ماده ۲۵- وکلا مکلفند نظاماتی را که وزارت عدلیه برای آنها معین می‌نماید متابعت نمایند .

ماده ۲۶- با احراز شرائط ذیل وکیل می‌تواند درجه وکالت بالاتر نائل گردد.

۱- اشتغال به وکالت لااقل دو سال در درجه سوم و سه سال در درجه دوم.

۲- حسن انجام وظیفه در محاکم مربوطه و حسن انجام معاضدت‌هایی که به او رجوع شده.

۳- ترقی علمی و عملی در امر وکالت.

ترتیب ترفیع وکلاء را وزارت عدلیه بر طبق

نظامنامه

تعیین خواهد نمود.

تبصره-

محکومیت انتظامی از درجه سه به بالا یکسال بر مدت مقرر در مورد یک این ماده می‌افزاید.

ماده ۲۸

(اصلاحی مصوب ۱۳۴۶/۳/۱۴)

—

در صورتی که وکیل در دو یا چند دادگاه اعم از جنائی و غیر آن دعوت شود و جمع بین اوقات ممکن
نباشد باید حضور در دیوان جنائی و دیوان کیفر را مقدم بدارد و به دادگاه یا دادگاه‌های دیگر لایحه
بفرستد یا در صورت داشتن حق توکیل وکیل دیگری را اعزام بدارد.

در صورتی که وکیل در دو یا چند دادگاه غیر از دادگاه جنائی و دیوان کیفر دعوت شود و جمع بین
اوقات ممکن نباشد در دادگاهی که حضور خود را لازم می‌داند حاضر می‌شود و به دادگاه‌های دیگر
لایحه می‌فرستد یا در صورت داشتن حق توکیل وکیل دیگری را اعزام می‌دارد.

جلسه رسیدگی در هر حال از این جهت تجدید نخواهد شد مگر آن که حضور وکیل در دادگاه ضروری باشد که در اینصورت یا به دادگاه مذکور وکیل دیگری می‌فرستد و یا اگر حق توکیل نداشته باشد نسخه ثانی احطاریه دادگاه جنائی یا دیوان کیفر را ضمن لایحه برای اعتذار از حضور تقدیم دادگاه می‌کند و در صورت اخیر جلسه فقط برای یک نوبت تجدید خواهد شد.

تبصره ۱-

وکیل باید دادگاه جنائی را بر دیوان کیفر مقدم بدارد و در صورتی که در دو یا چند دادگاه جنائی یا دیوان کیفر دعوت شده باشد حضور وکیل در هر یک از دادگاه‌های مذکور بر حسب تقدم تاریخ ابلاغ از طرف دادگاه خواهد بود.

تبصره ۲-

عزل یا استعفا یا تعیین وکیل جدید باید در موقعی به عمل آید که موجب تجدید جلسه نشود. در صورت عدم رعایت این ترتیب استعفا و عزل و تعیین وکیل جدید برای این جلسه پذیرفته نمی‌شود و دادگاه به رسیدگی ادامه می‌دهد.

تبصره ۳-

هرگاه جلسه دادگاه جنائی یا هر دادگاه جزائی دیگر که حضور وکیل متهم در آن ضرورت دارد به معاذیر قانونی وکیل تجدید شود رئیس دادگاه مکلف است بلافاصله وکیل انتخابی برای متهم تعیین کند و وقت دادرسی را به وکیل مذکور ابلاغ کند هرگاه در جلسه بعد وکیل قبلی یا وکیل دیگری که متهم انتخاب و معرفی کرده است در دادگاه حضور یابد و از متهم دفاع نماید دادرسی با حضور او ادامه خواهد یافت و الا وکیل انتخابی دادگاه از متهم دفاع می‌کند و دادگاه حکم خواهد داد.

ماده ۲۹- از وکلائی که حق وکالت در توکیل دارند هیچ عذری برای عدم حضور در جلسه مقرر پذیرفته نمی‌شود. هر گاه وکیلی در یک ساعت در دو محکمه دعوت شده باشد باید بیکی از دو محکمه که نسبت به دعوی مطروح در آنجا وکالت در توکیل دارد وکیل بفرستد و در دیگری خود حاضر شود. ماده ۳۰- وکیل باید اسراری که بواسطه وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوطه به حیثیات و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ نماید.

ماده ۳۱- وکلاء باید وکالت انتخابی حقوقی و جزائی را که در حدود قوانین و نظامات به آنها ارجاع می‌شود قبول نمایند.

تبصره-

مقصود از وکالت انتخابی وکالتی است که از طرف محکمه در موارد جزائی و از طرف کانون در امور حقوقی به آنها ارجاع می‌شود.

ماده ۳۲- وکلا باید با موکل خود قرارداد حق الوکاله تنظیم و مبادله نمایند و نسخه ثانی قرارداد را به ضمیمه وکالت نامه به دفتر محکمه تسلیم دارند قرارداد حق الوکاله و فهرست اسنادی که موکل به وکیل می‌سپارد و همچنین قبوض و جوهی که وکیل دریافت می‌دارد مطابق نمونه‌ایست که از طرف وزارت عدلیه معین خواهد شد.

– قرارداد حق الوکاله که به موجب

نظامنامه

وزارت عدلیه معین می‌شود باید به ترتیب تصاعد نسبت به مدعی به و نسبت به مراحل محاکمه بدایت و استیناف و تمیز معین شود.

میزان خسارتی که محکوم‌له می‌تواند از محکوم علیه مطالبه نماید همچنین میزان مخارج مسافرت‌هایی که وکلاء عدلیه برای امور وکالتی می‌نمایند نیز مطابق تعرفه‌ایست که وزارت عدلیه تنظیم می‌نماید.

ماده ۳۴- دریافت هر وجه یا مالی از موکل یا گرفتن سند رسمی یا غیر رسمی از او علاوه بر میزان مقرر به عنوان حق الوکاله و علاوه بر مخارج لازمه بهر اسم و هر عنوان که باشد ولو بعنوان وجه التزام و نذر ممنوع است و مرتکب به مجازات انتظامی از درجه پنج به بالا محکوم می‌شود و چنین سند و التزام در محاکم و ادارات ثبت منشا ترتیب اثر نخواهد بود .

در صورتی که وکیل این عمل را به طور حیلّه انجام دهد مثل اینکه پول یا مال یا سندی در ظاهر بعنوان دیگر و در باطن راجع به عمل وکالت باشد و یا در ظاهر به اسم شخص دیگر و در باطن برای خود بگیرد کلاهبردار محسوب و مورد تعقیب جزائی واقع خواهد شد.

ماده ۳۵- مخارج لازمه مذکور در ماده قبل عبارت است از مخارج عدلیه و خرج مسافرت و خرج تحقیقات و معاینه محلی و حق الزحمه مصدقین و خبره و حق الحکمیّه و خرج تلگراف و پست و طبع اعلانات.

ماده ۳۶- در صورتی که وکیل بخواهد از وکالت استعفاء نماید باید قبلاً طوری به موکل و محکمه اطلاع دهد که موکل بتواند وکیل دیگری در موقع برای خود معین و به محکمه معرفی کند.

ماده ۳۷- وکلاء نباید بعد از استعفا از وکالت یا معزول شدن از طرف موکل یا انقضاء وکالت به جهتی از جهات وکالت طرف مقابل یا اشخاص ثالث را در آن موضوع بر علیه موکل سابق خود یا قائم مقام قانونی او قبول نمایند و محاکم وکالت او را نباید در این موارد بپذیرند.

ماده ۳۸- وکلاء نباید به طور مستقیم یا غیر مستقیم برای رد قاضی یا حکم یا وکیل مدافع طرف یا بمنظور تطویل محاکمه به وسیله خدعه‌آمیزی متوسل شوند

در صورت تخلف به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم خواهند شد.

ماده ۳۹- وکیل حق ندارد دعاوی را به طور مُصانعه یا در ظاهر به اسم دیگری و در باطن به اسم خود انتقال بگیرد و این قبیل دعاوی در محکمه پذیرفته نخواهد شد و متخلف به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم خواهد شد.

ماده ۴۰- وکلاء نمی‌توانند نسبت به موضوعی که قبلاً به واسطه سمت قضائی یا حکمیت در آن اظهار عقیده کتبی نموده‌اند قبول وکالت نمایند.

ماده ۴۱- در صورتی که خیانت وکیل نسبت به موکل ثابت شود از قبیل آنکه وکیل با طرف موکل ساخته و بالنتیجه حق موکل را تضییع نماید به محرومیت ابدی از شغل وکالت محروم خواهد شد و موکل می‌تواند خسارات وارده بر خود را از او مطالبه نماید.

ماده ۴۲- وکلا باید در مذاکرات شفاهی در محکمه و لوایح کتبی احترام و نزاکت را نسبت به محاکم و تمام مقامات اداری و نسبت به وکلاء و اصحاب دعوی مرعی دارند در صورت تخلف به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم خواهند شد

مگر اینکه عمل مشمول یکی از عناوین جزائی باشد که در این صورت لااقل به حداکثر مجازات مقرر در قانون محکوم خواهند شد.

ماده ۴۳- وکلاء باید دارای دفتر منظم بوده و مراسلات و مکاتباتی که راجع به امر وکالت است ثبت و ضبط نمایند، طرز تنظیم و نگاهداری آن را دفتر بازرسی و تشکیلات وکلاء معین خواهد نمود و حفظ دفتر و تهچک قبوض تا ده سال پس از تاریخ ختم آن اجباری است.

ماده ۴۴- وکلاء باید پس از ابلاغ حکم یا قرار و یا خطاری که مستلزم انجام امر یا دادن خرجی از طرف موکل است به اسرع اوقات به موکل یا متصدی امور او کتبا اطلاع دهند به طوری که تفویض حق از او نشود.

ماده ۴۵- وکلاء باید اثر قانونی عدم پیشرفت دعوی موکل را در امری که نسبت به آن قبول وکالت می‌نمایند اعم از حقوقی و جزائی مخصوصا در اقامه دعوی جزائی و دعاوی جعل و اعسار قبل از تنظیم قرارداد حق الوکاله به موکل خاطر نشان نمایند.

فصل چهارم- در تعقیب و مجازات انتظامی وکلاء

ماده ۴۶- مرجع تحقیق و رسیدگی مقدماتی نسبت به شکایات واصله از وکلاء و تخلفات آنان دفتر بازرس و تشکیلات وکلاء عدلیه است و محاکمه انتظامی آنان در محکمه به عمل می‌آید مرکب از سه نفر عضو که وزیر عدلیه از بین مامورین قضائی یا اداری عدلیه یا وکلا و یا به طور مختلط تعیین می‌کند.

طرز تحقیق و رسیدگی مقدماتی و تجدید نظر و مواعد محاکمه انتظامی وکلاء را وزارت عدلیه به موجب

نظامنامه

تعیین خواهد نمود، پارکه انتظامی وکلاء دفتر بازرس و تشکیلات وکلاء عدلیه است.

ماده ۴۷- وزیر عدلیه می‌تواند پس از آنکه بوسیله دفتر بازرس و تشکیلات وکلاء عدلیه یا بوسیله کانون وکلاء و یا به وسائل دیگر از سوء اعمال و رفتار و تخلفات وکیلی مطلع شد امر بتعقیب انتظامی او بدهد و در موردی که اشتغال وکیل مزبور به وکالت تا تعیین تکلیف قطعی او منافی با حیثیت وکلاء و یا موجب ضرر برخلاف حق برای اشخاص باشد او را از شغل وکالت معلق دارد.

ماده ۴۸- محکمه انتظامی وکلاء مکلف است پس از وصول اولین ادعای انتظامی یا به تقاضای وزیر عدلیه علاوه بر رسیدگی انتظامی از جهت تخلف به صلاحیت اخلاقی و لیاقت علمی و عملی وکیل مورد

تعقیب نیز رسیدگی نماید جز در مورد وکلائی که دارای مدارک علمی یا پروانه درجه اول هستند که در اینصورت رسیدگی به لیاقت علمی آنها لازم نیست.

ماده ۴۹

– استرداد شکایت از وکیل و استعفای مشتکی عنه از شغل وکالت مانع تعقیب و رسیدگی انتظامی نیست لیکن استرداد شکایت موجب تخفیف مجازاتست.

ماده ۵۰- در صورتی که حضور وکیل برای رسیدگی مقدماتی انتظامی و یا محاکمه انتظامی لازم و احضار شده و بدون عذر موجه حاضر نگردیده یا در موعد مناسبی که برای او معین شده جواب کتبی استیضاح را ندهد وزارت عدلیه می تواند او را موقتاً تا خاتمه رسیدگی از وکالت معلق نماید.

ماده ۵۱- مجازات های انتظامی به قرار ذیل است:

۱- توبیخ شفاهی

۲- توبیخ کتبی با درج در پرونده

۳- توبیخ با درج در مجله رسمی

۴- ممنوعیت موقت از ۳ ماه الی یک دو سال

۵- تنزل درجه

۶- محرومیت دائم از شغل وکالت.

وزیر عدلیه می تواند در صورت احراز سوء اعمال و رفتار یا تخلفات وکیلی یکی از مجازات های انتظامی تا درجه ۴ را درباره او مستقلاً اعمال نماید و رای وزیر در این موضوع قابل شکایت نیست، در صورتی که حکم مجازات از طرف محکمه صادر شود تا درجه ۳ نسبت به محکوم علیه قطعی است.

ماده ۵۲- محکمه تجدید نظر تشکیل می شود از یک نفر از اعضاء محکمه بدوی که به حکم قرعه انتخاب می شود و دو نفر از مستخدمین قضائی که همه ساله به طور ثابت از طرف وزارت عدلیه معین می شود.

ماده ۵۳- وزیر عدلیه می تواند در صورتی که رفتار وکیلی موجب اختلال مهمی در جریان امور قضائی حوزه معینی باشد او را مادام که موجبات اختلال باقی است از اشتغال به امر وکالت در آن حوزه ممنوع نماید.

ماده ۵۴- مرور زمان نسبت به تعقیب انتظامی وکلاء دو سال از تاریخ وقوع امر مستوجب تعقیب است در صورتی که وکیل تعقیب شده باشد دو سال از تاریخ آخرین اقدام انتظامی است.

ماده ۵۵- وکلاء معلق و اشخاص ممنوع الوکاله و به طور کلی هر شخصی که دارای پروانه وکالت نباشد از هر گونه تظاهر و مداخله در عمل وکالت ممنوع است اعم از اینکه عناوین تدلیس از قبیل مشاور حقوقی و غیره اختیار کند یا اینکه به وسیله شرکت و سایر عقود یا عضویت در مؤسسات خود را اصیل در دعوی قلمداد نماید مختلف از یک الی شش ماه حبس تادیبی محکوم خواهد شد.

فصل پنجم- مقررات مختلفه

ماده ۵۶- در صورت فوت و حجر وکیل مدعی‌العموم بدایت و در نقاطی که پارکه نیست امین یا مامور صلح به تقاضای اشخاص اسناد و اوراق راجعه به آنها را که نزد وکیل بوده با حضور متصدی امور متوفی و در صورت استتکاف ورثه و یا متصدی امور متوفی از تسلیم اوراق و اسناد مدعی‌العموم یا قائم‌مقام او با حضور نماینده محکمه بدایت یا صلح اسناد را اخذ و به صاحبش رد می‌نماید و صورت‌مجلسی در هر دو باب تنظیم و امضاء می‌نماید و رسید اوراق را گرفته به متصدی امور متوفی می‌دهد.

ماده ۵۷- هرگاه محاکم و مدعیان عمومی در اجراء مواد این قانون بی‌نظمی یا مسامحه مشاهده کرده یا متوجه شوند وکیلی از عهده انجام وظیفه وکالتی بر نمی‌آید و همچنین هر گاه از سوء اخلاق و اعمال وکیلی مطلع گردند مکلفند بدون تاخیر مراتب را به وزیر عدلیه گزارش دهند، در صورت تخلف به مجازات انتظامی تا درجه ۴ محکوم خواهند شد.

ماده ۵۸- **فصل دوم** قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۲۷ تیر ماه ۱۳۰۷ و ماده ۶ قانون ۱۱ خرداد ۱۳۰۸ و قانون مصوبه اول مرداد ۱۳۰۹ و قانون وکالت مصوب ۲۰ شهریور ماه ۱۳۱۴ نسخ می‌شود. این قانون که مشتمل بر پنجاه و هشت ماده است در جلسه بیست و پنجم بهمن ماه یک هزار و سیصد و پانزده به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی- حسن اسفندیاری

برچسب ها

قانون وکالت

قوانین وکالت

وکالت اتفاقی

وکیل دادگستری